

مطبوعات و روزنامه‌نگاری در دوران انقلاب مشروطه و اثر آن بر شیوه نگارش

بهرام جبارلوی شبستری - نازیلا نوزاد دیزجی

چکیده:

مطبوعات در منابع معتبر علمی، بعنوان یکی از ارکان اساسی انقلاب مشروطه به‌شمار می‌رود. از این‌رو به منظور بررسی نقش مطبوعات و روزنامه‌نگاری دوره انقلاب مشروطه بر تحول سبکی نشر فارسی؛ در چارچوب پاسخگویی به سه سؤال: ۱- مطبوعات- انتشار یافته در داخل کشور- ایران، از لحاظ سبک نشر فارسی در دوره انقلاب مشروطه، در مقایسه با دوره پیش از آن، دچار چه تحولی شدند؟؛ ۲- تأثیر مطبوعات و روزنامه‌نگاری دوره انقلاب مشروطه، بر تحول سبکی نشر فارسی که از آن بعنوان «نشر مردمی دوره مشروطه» یاد می‌شود؛ چگونه بوده است؟؛ ۳- تحول سبک نشر فارسی مطبوعات دوره انقلاب مشروطه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران، چه پیامدهایی به دنبال داشته است؟؛ مطالعه‌ای با روش تحقیق اسنادی انجام یافت. بر اساس یافته‌های این مطالعه، واکاوی و مرور مجدد یافته‌های پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی و علوم ارتباطات اجتماعی؛ تأکید دارند، مطالب و خبرهای مطبوعات چاپ داخل کشور ایران در دوره قبل از صدور فرمان مشروطه؛ در مجموع به رسم منشیان دیوانی تنظیم می‌شده و بیشتر دارای جمله‌بندی‌ها، واژه‌ها و عنوان‌هایی بود که مردم عادی از آنها آگاهی نداشتند و به عبارتی مغلق‌نویسی در آنها به چشم می‌خورد. لذا این رسانه‌ها، هدف پیام‌رسانی و توان ارتباط با عامه افراد جامعه را نداشتند. اما در دوره انقلاب مشروطه و بعد از آن، زبان روزنامه‌ها افتاد و خود را از بند سبک‌های مغلق‌نویسی، نشر منشیانه و نشر منبری تا حدود زیادی رها کردند؛ نویسندگان زیادی در عصر مشروطه از جمله روزنامه‌نگاران، به منظور آگاهی بخشی عموم جامعه تلاش کردند؛ نشر فارسی را به سوی سادگی و روانی از دست رفته‌اش بازگرداندند و اندیشه‌ها و خواسته‌های خود را با نثری ساده و روان، تولید و اشاعه دهند. بنابراین در مجموع می‌توان گفت، تحول سبکی (خصوصیت‌های دستوری و لغوی)، به همراه محتوایی نشر فارسی مطبوعات دوره انقلاب مشروطه؛ از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار بر وقوع تحول‌های عمیق در حوزه نشر فارسی به‌شمار می‌رود.

۱- مقدمه

حدود ۶۹ سال پس از انتشار نخستین روزنامه فارسی زبان چاپی در ایران، که مالکیت آن دولتی بود و عنوان رسمی نداشت؛ ولی به نام «کاغذ اخبار» معروف شد

(۱۲۵۳ ه.ق- ۱۸۳۷ م)؛ «انقلابی معطوف به هنجار»^۱ (Norm - Oriented) علیه نظام استبدادی قاجاریه و سلطه بیگانگان شکل گرفت که در مرحله نخست خود با صدور فرمان مشروطه توسط مظفرالدین‌شاه (۱۳۲۴ ه.ق- ۱۹۰۶ م) به پیروزی رسید و در مرحله

دوم خود به سقوط محمدعلی شاه از سلطنت (۱۳۲۷ هـ.ق- ۱۹۰۹ م) منجر شد [۱].

بررسی‌های این دوره تاریخی از منظر ارتباطات اجتماعی، بیانگر این مهم است که با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی از یک سو و شرایط فنی چاپ و توزیع مطبوعات آن زمان کشور ایران؛ آنچه بعنوان افکار عمومی (Public Opinion) تعریف می‌شود و موتور هر تحولی در جامعه به شمار می‌رود؛ به نوعی وجود نداشته است و بیشتر، «عقاید رایج مردم سامان‌های همبسته از نظر جغرافیایی، اقتصادی و قومی» بوده است. ولی هر چه بوده؛ فعالان مشروطه خواهی و عدالت‌جویی از همه ابزارها، کانال‌ها و محمل‌های متعدد پیام‌رسانی شفاهی و نوشتاری و ارتباط دور برد؛ شامل: منبر، مسجد، انجمن، بازار، قرائتخانه، گرمابه، قهوه‌خانه، اعلان، شبنامه، شایعه‌پراکنی، تصنیف، تعزیه، تلگراف، کتاب و مطبوعات؛ به منظور اشاعه افکار، عقاید و خواسته‌های خود، با هدف بسیج نیروهای آزادیخواه و همراه کردن اقشار مختلف مردم با خود، بهره برده‌اند [۲].

در این میان، علی‌رغم وضعیت اسفناک میزان باسوادی جمعیت ایران [۳] - که بعنوان نخستین توانایی مورد نیاز برای مطالعه مطبوعات و سایر آثار نوشتاری، به‌شمار می‌رود-؛ وقوع انقلاب مشروطه، بدلیل فراهم آوردن شرایط تازه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی؛ موجب رونق شگفت‌آور روزنامه‌نگاری [و شکل‌گیری پدیده‌ای با تمام مزایا و کاستی‌های مربوط به ابعاد نظام مطبوعاتی، شامل: تعیین پیام، تولید پیام و توزیع پیام] شد که از آن به «انفجار مطبوعاتی در گستره روزنامه‌نگاری کشور ایران» یاد می‌شود [۲].

به طوری که با اتخاذ دیدگاهی خوشبینانه و فارغ از کارکردهای نامطلوب برخی مطبوعات و نوشته‌های روزنامه‌نگاران؛ می‌توان ادعا کرد که مطبوعات و روزنامه‌نگاری دوران انقلاب مشروطه، بدلالی مانند: گزارش رویدادها و بازتاب اندیشه‌های گوناگون؛ خروج از چنبره دربار، دیوان و حتی نخبگان دانش‌آموخته از یک سو و تبدیل شدن به یک وسیله

ارتباط جمعی با هدف مخاطب قرار دادن عموم مردم از سوی دیگر؛ بدست آوردن توفیق در زمینه شکل دادن عقاید عمومی؛ ترسیم هویت ملی و ایجاد همبستگی در برابر استبداد داخلی و نفوذ بیگانه؛ کوشش شایسته در شناساندن حقوق فردی، اجتماعی و ملی؛ و تداعی معانی و آرزوهای آزادی، عدالت و پیشرفت [۲]؛ در مجموع یکی از ارکان اساسی انقلاب مشروطه (مولانا، ۱۳۵۸) به‌شمار می‌رود [۴].

از سوی دیگر، با توجه به این امر که تحول ادبی مسبوق به تحول اجتماعی است و تحول اجتماعی هم تا حدود زیادی مسبوق و مصبوغ به تحولی در اندیشه و تفکر مردمان است [۵]. از این رو در دوره انقلاب مشروطه، تحولی عمیق و شگرف در نثر فارسی بوجود آمد [۶] و به تحول‌های عمده و چشمگیری هم از لحاظ سبک و ساختار؛ و هم از نظر محتوا و مضمون، دست یافت [۷]. به طوری که بررسی‌ها بیانگر این پدیده است که در آن دوره، جامعه به خود آمد و با مسایل اجتماعی، مشکلات و نقایص، آشنا شد؛ و به ناچار زبان نظم و نثر فارسی هم تغییر یافت و شیوه نویسنده‌گی؛ ساده، بی‌پیرایه و از تکلف عاری شد و نثر روزنامه‌ای، نثر ترجمه، نثر داستانی، نگارش بیانیه و اعلامیه، به گونه‌ای ساده و روان شد تا عامه مردم، باسواد و کم‌سواد و بی‌سواد آن را درک کنند [۸].

لذا این نوشته، به دنبال پاسخگویی به سه سؤال ذیل است:

- ۱- مطبوعات - انتشار یافته در داخل کشور - ایران، از لحاظ سبک نثر فارسی در دوره انقلاب مشروطه، در مقایسه با دوره پیش از آن، دچار چه تحولی شدند؟
- ۲- تأثیر مطبوعات و روزنامه‌نگاری دوره انقلاب مشروطه، بر تحول سبکی نثر فارسی که از آن بعنوان «نثر مردمی دوره مشروطه» یاد می‌شود؛ چگونه بوده است؟
- ۳- تحول سبک نثر فارسی مطبوعات دوره انقلاب مشروطه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران، چه پیامدهایی به دنبال داشته است؟

۲- روش تحقیق

در این مطالعه از روش تحقیق «اسنادی» استفاده

بنابراین محتوای مطبوعات را نیز در وهله اول خبرهای رسمی مملکتی تشکیل می‌داد. از سوی دیگر چون زبان روزنامه‌نگاری نیز هنوز در ایران جا نیفتاده بود؛ لذا، مطالب و خبرهای روزنامه هم به رسم منشیان دیوان تنظیم می‌شد و بیشتر دارای جمله‌بندی‌ها، واژه‌ها و حاوی لقب‌ها و عنوان‌هایی بود که مردم عادی از آنها آگاهی نداشتند [۲] و بیشتر مغلق نویسی، به چشم می‌خورد؛ زیرا دبیران این روزنامه‌ها پیرونده مکتب ادب سنتی و دستگاه دیوان بودند [۱۰].

به طور مثال، بررسی ۱۰۰ شماره از روزنامه وقایع اتفاقیه [محسنیان راد، ۱۳۸۴]، [به عنوان سومین روزنامه چاپ داخل ایران و دومین روزنامه چاپ داخل ایران به زبان فارسی؛] نشان داده است که در این ۱۰۰ شماره؛ ۹۸۴ لقب و ستایش وجود دارد که از پرمصرف‌ترین آنها می‌توان به: «اعلی حضرت پادشاهی، اعلی حضرت شهریار، ذات اقدس همایون پادشاهی، حضرت خداوندی، ذات کثیرالبرکات، مستطاب سعادت، حضرت شوکت‌مدار همایون، قرین اشرف اعلی، مهر لمعان و مهر ظهور؛ اشاره کرد [۹]. البته ذکر این نکته هم ضروری است که وقایع اتفاقیه، روزنامه دولتی بود که با قیمت یک نسخه از آن، مردم می‌توانستند ۶/۱ کیلوگرم گوشت، یا ۲۲ عدد تخم مرغ و یا ۱۵ کیلوگرم نان خریداری کنند. از این رو، بدلیل این که کارمندان عالی‌رتبه دولت، به اجبار می‌بایست چنین روزنامه گرانی را می‌خریدند و تعدادی روزنامه هم تقسیم می‌شد تا به تجار و بازرگانان شهرهای مختلف کشور فروخته شود و چون این کار به زور انجام می‌شد، تجار به روزنامه وقایع اتفاقیه به طنز می‌گفتند: «زورنامه» [۹ و ۱۱].

در مجموع می‌توان گفت که شیوه نگارش روزنامه‌نگاران بین سال‌های ۱۲۱۶ تا ۱۲۷۹ ه.ش / ۱۸۳۷ تا ۱۹۰۰ م، و به عبارتی دیگر، «سبک نثر فارسی مطبوعات این دوره»؛ برای مردمی که به پارسی ساده‌تر و بی‌پیرایه‌تر دوره مشروطه خواهی و پس از آن خو گرفته‌اند، پیچیده و ناهموار است [متن‌های نمونه شماره ۱، ۲ و ۳]. و در نتیجه پیام‌های مطبوعات به سبب پیچیدگی زبان آن به مردمی که سواد کمی داشتند و از همه مهمتر عامه مردم نمی‌رسید و بسیاری از باسوادان

شده است و برای پاسخگویی به سئوال‌های مدنظر؛ اطلاعات مورد نیاز، پس از مراجعه به محتوای منابع و مآخذ مرتبط با موضوع تحقیق، که در قالب: کتاب‌ها؛ پایان‌نامه‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی دفاع شده در دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی و با ادبیات فارسی و زبانهای خارجی دانشگاه‌های: تهران، فردوسی مشهد، تبریز، شهید بهشتی، شهید چمران اهواز، تربیت مدرس؛ و مقالات انتشار یافته در مجموعه مقاله‌های همایش‌های علمی؛ موجود می‌باشند؛ به شیوه فیش‌برداری گردآوری و سپس در چارچوب بحث و بررسی، مورد استفاده قرار گرفته است.

شایان ذکر است، این مقاله، با دیدگاهی خوشبینانه و بدون در نظر گرفتن سوگیری‌های محتوایی و مسایل ناشی از آنها، نگارش یافته است و در متن نوشته، واژه روزنامه مترادف با واژه مطبوعات - البته با ترتیب انتشار گوناگون و نه فقط روزانه - مورد استفاده قرار گرفته است.

۳- بحث و نتیجه‌گیری

۳-۱) مقایسه سبک نثر فارسی مطبوعات - انتشار یافته در داخل کشور - ایران در دوره انقلاب مشروطه با دوره پیش از آن

کاشت نخستین نهال روزنامه‌نگاری با تأخیر ۲۴۰ ساله نسبت به کشورهای پیشرو در این حوزه، با انتشار کاغذ اخبار (۱۲۵۳ ه.ق / ۱۸۳۷ م)، در زمانی انجام شد که جامعه ایران مملو از لایه‌های استبداد بود؛ که مدح و ثنا و بکارگیری القاب و چالوسی، از مشخصه‌های بارز ارتباط با و یا دربار مستبد است. چنانچه در بررسی شماره نخست کاغذ اخبار (محسنیان راد، ۱۳۸۴)، مشخص شد که در یک خبر ۴۰ سطری، ۱۴ لقب گوناگون برای شاه وقت مطرح شده است؛ القابی چون: «سایه خدا، قبله عالم، ظلله‌الله ملکه و ابد ایام دولته که معموره جهان در نظر همت آفتاب آثارشان، بهای رباطی مخروطی ندارد و مرکز خاک به کفی خاکستر نیرزد» [۹].

[در ادامه با گسترش روند انتشار صرف مطبوعات دولتی دیگر (نمودار شماره ۱)، با توجه به اینکه] محتوای روزنامه‌های دولتی در جهت سیاست‌های دولت بود و برای عموم خلق و اهالی ملت نافع نبود.

گونه‌به‌گونی در مطبوعات آن زمان رو به‌رو شد. به‌طور مثال ترجمه بر تشریح‌نامه‌ها اثر می‌گذاشت و گاهی [به‌اشتباه و یا به خیال فرد و یا افرادی؛] قوت يك اثری بدان سبب بود که واژه‌های فارسی مناسب برای پدیده‌های نو نمی‌شناختند و از این رو، خود چیزی می‌ساختند و یا - چنانکه بیشتر چنین بوده است - اصطلاح ترجمه شده و ساخته و پرداخته (عربی-فارسی) ترکان عثمانی را می‌گرفتند و بکار می‌بردند.

متن نمونه شماره ۱ = «عالیجاه مقرب الخاقان خدادادخان از سفارت اسلامبول معادوت نمود. نامه از اعلیحضرت سلطان محمود به حضور اعلیحضرت شاهنشاهی آورد. از آنجا که سفارت مشارالیه مستحسن رای جهان آرای شهریارى افتاد بعد از تبلیغ‌نامه و عرض مراتب ماموریت خود خاطر مبارک از او خرسند گردید و پایه اعتبار عالیجاه مشارالیه به اعلی مدارج رسید و او را به وزارت خوی مفتخر و سرافراز فرمودند نه نهجی که شاید و باید با ولایات سرحدیدیه دولتین علیتین سعی و جد بلیغ نماید که روز به روز این دوستی و یکجتهی تزیید پذیرد و رشته اتحاد محکم گردد و امری که مورث نقار خاطر و غبار کدورت ضمیر اولیای دولتین است رفع

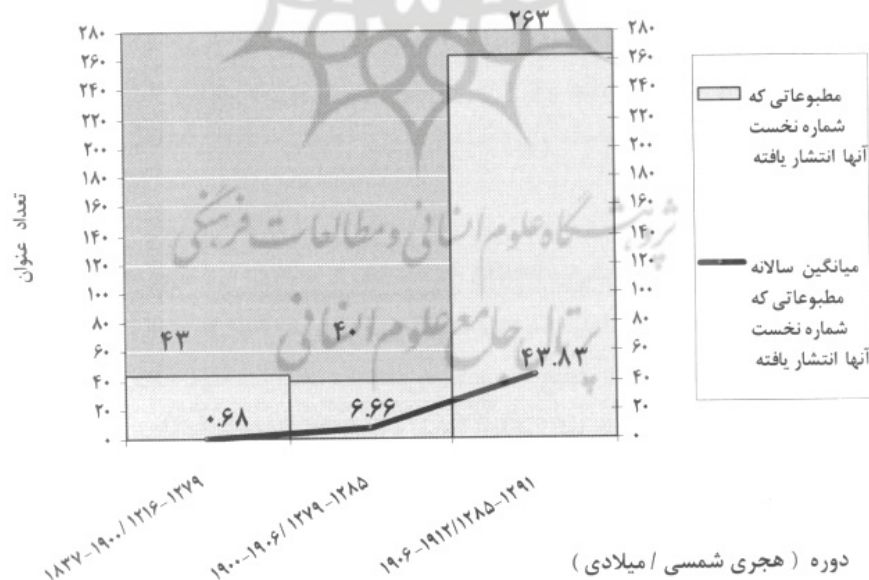
آن روزگار، توان ایجاد ارتباط را با بدنه جامعه حدود یازده میلیون که ۹۹ درصد آنان بی‌سواد بودند را نداشتند [۱۰، ۱۱ و ۱۲].

در این راستا، بررسی‌های ناصرالدین‌پروین (۱۳۷۹) درباره علل عمده بروز این ناکامی بزرگ، در سیر تاریخی ارتباط‌های اجتماعی ایران؛ نشان داده است [۱ و ۲]:

- در گذشته نشر را در برابر نظم خوار می‌دیدند و ضمن این که کوششی برای بهبود آن نمی‌شد؛ بلکه خودنمایی و فضل‌فروشی مترسلان و منشیان بر پیچیدگی و ناهمواری آن نیز می‌افزود.

- [مطبوعات و فعالیت‌های روزنامه‌نگاری] پدیداری نو [در فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور ایران] بود و بایستی فرصت‌زمانی می‌یافت تا نشر روزنامه‌نگاری، [با برخی ویژگی‌هایی که بیان شد؛] تحول یابد و جا افتد.

- برپایه آنکه نویسندگان مطبوعات این دوره، چگونه و با چه هدفی نوشتن فارسی را آموخته؛ و چه باری از فرهنگ و دانش را داشته‌اند؛ و در چه محیطی به کار روزنامه‌نگاری پرداخته بودند. می‌توان با تشریح‌های



نمودار شماره ۱- تعداد مطبوعات انتشار یافته در داخل کشور ایران به تفکیک سه دوره تاریخی: ۱۲۱۶ تا ۱۲۷۹ هـ. ش / ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۵ هـ. ش / ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۱ هـ. ش؛ و میانگین سالانه تعداد عنوان انتشار یافته در طی هر يك از دوره‌های تاریخی مدنظر.

سازد. / کاغذ اخبار - شماره مورخ محرم ۱۲۵۳) «متن نمونه شماره ۲ = «چون دیانت و امانت و صداقت و حذاقت و خدمات مقرب الحضرة العلیه آقا میرزا موسی حافظ الصحه ناظم الاطباء اصفهان مشهود و مقبول حضور مبارک شاهنشاهزاده معظم حضرت مستطاب اشرف والا ظل السلطان دامت شوکته و عظمته افتاد، محض مرحمت و کرامت مشارالیه را به لقب جلیل خانی و منصب حکیم باشیگری سرکار عظمتمدار نواب علیه العالیه افتخارالدوله دامت شوکتها سرافراز فرمودند و رقم مبارک شرف صدور یافت. / فرهنگ، شماره ۵۸، ۲۷ شعبان ۱۲۹۷»

متن نمونه شماره ۳ = «امپراطور برزیل ینگگی دنیا محض سیاحت فرنگستان اول وارد لیزبون دارالملک پورتغال خواهد شد. به این جهت اهالی آن شهر مشغول به تدارک پذیرایی و تشریفات امپراطور معظم له می باشد. / ایران، شماره ۳۵، ۱۲۸۸»

در ادامه، سبک نشر فارسی مطبوعات انتشار یافته در بین سال‌های ۱۲۷۹ تا ۱۲۸۵ هـ. ش / ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۶ م (نمودار شماره ۱)؛ به عبارتی دیگر در سال‌های منتهی به سال صدور فرمان مشروطه، باز هم بیشتر به شیوه ادبیات سنتی و نوشته‌های دیوانی نزدیک بود. البته بررسی شیوه نگارش «خبر» و «مقاله» مطبوعات آن زمان؛ به روشنی تأثیر نشر خبری روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های اروپایی را - حتی با واسطه زبان‌های شرقی - بر شیوه نگارش خبر و تحول آرام نشر روزنامه از شیوه منشیانه به زبان روزنامه‌نگاری نشان می‌دهد. به طوری که ترجمه خبرهای خارجی را ساده‌تر و نگارش خبرهای داخلی را «مغلق‌تر» خواهیم یافت؛ ولی در مقابل نشر مقاله و مطالب همانند آن، همچون نامه‌ها و گزارش‌های تفسیری بسیار کند^۳ بوده است [۲].

اما بالاخره، سبک نشر فارسی مطبوعات انتشار یافته در بین سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۱ هـ. ش / ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ م (نمودار شماره ۱)؛ که دوره انقلاب مشروطه و سال‌های جنگ و گریز مشروطه و استبداد به‌شمار می‌رود؛ زمینه تجربه‌های سازنده برای تحول بزرگی در نشر فارسی مطبوعات را به وجود آورد. به عبارتی زبان روزنامه‌ها و خود را از بند سبک‌های مغلق نویسی،

نثر منشیانه و نثر منبری تا حدود زیادی رها کنید. چنانچه پس از واژگونی استبداد صغیر و سقوط محمدعلی شاه؛ روزنامه‌نگاران آرمان‌خواه این دوره می‌کوشیدند که مردم بیشتری را از خواب غفلت بیدار کنند و پیام خود را به گوش‌ها و دل‌ها برسانند. لذا برای این منظور، گروهی شیوه نوشتاری معمول خود را که ربطی به کار روزنامه نداشت ادامه دادند؛ اما گروهی دیگر دست به ابتکار زدند و یا آنکه، به تأثیر از روزنامه‌های اروپا، هند، عثمانی، قفقاز و کشورهای عربی حوزه مدیترانه، به زبان روزنامه نزدیک شدند [۲].

در مجموع بررسی تغییرات سبکی (خصوصیات دستوری و خصوصیات لغوی) نشر فارسی در آئینه مطبوعات فارسی زبان چاپ داخل کشور در دوره انقلاب مشروطه، بیانگر این امر است که شش سبک را می‌توان در مطبوعات این دوره شامل: مغلق نویسی^۴، نثر منشیانه^۵، سره نویسی^۶، نثر منبری^۷، نثر عامیانه و ساده نویسی را تشخیص داد [۲ و ۹].

ولی در این میان، نکته مهم، ظهور، گسترش و غلبه سبک‌های نشر فارسی ساده نویسی و عامیانه بر دیگر شیوه‌ها بود و یکی از علل وقوع این پدیده، این بود که پیش از انقلاب مشروطه، زبان مطبوعات سنگین و با انشای غیر قابل فهم بود که شاید به کار روشنفکران می‌آمد؛ اما برای توده مردم ناآشنا بود. ولی زبان مطبوعات دوره انقلاب مشروطه، برای پیام‌رسانی به آحاد جامعه، به زبان عامه نزدیک شد و نشر ساده‌ای در زبان فارسی پدید آورد.

چنانچه بررسی‌های ناصرالدین پروین (۱۳۷۹) بیانگر این امر است که در ایران کاربرد زبان‌ها و گویش‌های محلی با هدف‌های سیاسی و اجتماعی، ابتدا در شبنامه‌ها آغاز شد. ولی مبتکر کاربرد زبان محاوره در نگارش مطبوعاتی، علی‌اکبر دهخدا است. وی در نخستین «چرندپرند»‌های روزنامه صوراسرافیل^۸ «از زبان نوشتاری بهره گرفت؛ اما کم‌کم زبان محاوره مردم تهران را نیز در این ستون سیاسی - اجتماعی به کار برد [متن نمونه شماره ۴]. همان هنگام، روزنامه کشکول [در شهر تهران] هم، شرح و مکالمه شخصیت‌های برخی از کاریکاتورهای خود را به زبان محاوره می‌آورد؛ که این شیوه نگارش بعدها نیز کاربردش افزایش یافت و

دوره اول سلسله قاجاریه از نظر محتوایی، نشان داده است که بیشتر نویسندگان این دوره دیدی موافق نسبت به سیاست‌های سلاطین قاجار داشته‌اند. اما این دید موافق، به تدریج در آثار نویسندگان بعدی، به دید انتقادی و سپس، به دید مخالف تبدیل شد؛ و در دوره انقلاب مشروطه، نویسندگان بیشتر، مدافع افکار آزادی‌خواهانه بودند و در ادامه مطبوعات در خدمت احزاب در آمده و ناشر افکار و عقاید آنها شدند [۱۵].

اما از نظر سبک نثر فارسی (خصوصیت‌های دستوری و لغوی)، بررسی‌ها نشان داده است که در زمان‌های نزدیک به دوران انقلاب مشروطه، زمینه تحول [آرام] نثر فارسی در اثر عواملی مانند: ترجمه از آثار زبان‌های دیگر - بویژه از زبان‌های اروپایی -؛ انتشار سفرنامه‌ها؛ مطبوعات، کتاب‌ها و رساله‌هایی که توسط برخی ساده‌نویسان عصر قاجار به نگارش در آمد؛ شروع شد [۷]؛ و در ادامه با وقوع انقلاب مشروطه و گسترش فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشار مقاله‌های سیاسی و اجتماعی؛ این جریان تحولی، سرعت بیشتری پیدا کرد. به طوری که نویسندگان و مترجمان این دوره با درک این مطلب که مخاطبان نشان اغلب، مردم متوسط جامعه هستند، با ساده‌نویسی در آثار خود از مغلق‌نویسی پرهیز کرده و حتی آن را به باد انتقاد گرفتند [۱۴].

از این رو، می‌توان آستانه و دوره انقلاب مشروطه را «عصر نوزایی نثر فارسی» نامید. برای این که زبان نوشتاری فارسی از تکلف‌های ملال آور و هنرنمایی‌های کاذب قلمی منشیان دیوانی - که در آنها، معنی، قربانی لفاظی‌های فاضل‌مابانه می‌شد - خلاصی یافت و «نهضت ساده‌نویسی» یا به پای «نهضت آزادی خواهی» به پیش رفت [۱۴].

به طور مثال در پژوهشی که توسط میترا کدخدایان و نادر جهانگیری (۱۳۷۶) درباره تأثیر انقلاب مشروطه بر زبان فارسی به عمل آمده است و طی آن ۵۵ نثر فارسی از قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم از کتاب‌ها و مطبوعات انتخاب و میزان کاربرد واژگان عربی؛ طول جملات؛ بار تزیینی؛ طرح فرستادن و القا پیام؛ میزان کاربرد آیات قرآن کریم، شعر، ضرب‌المثل؛ به کارگیری صنایع لفظی (سجع، جناس و...)؛ تفاوت‌های نحو نثر فارسی، تغییرات صوری - معنایی عبارت‌های فعلی افعال

در ادامه «شرافت» که روزنامه جدی بود؛ بخش بزرگی از محتوای خود را به «زبان عامیانه و بازاری تهرانی‌ها» اختصاص داد. به همین سبب نفوذ شایان توجهی در طبقات توده مردم داشت و روزنامه‌ای توده‌پسند و توده فهم بود. در مجموع طی دوره انقلاب مشروطه، نوشتن به زبان محاوره یا گویش عوام، در جهت گرایش عمومی نویسندگان این دوره به ساده‌نویسی^۱ و همه فهمی بود [۲].

متن نمونه شماره ۴ = «کبلائی دخو، تو قدیم‌ها، گاهی به درد مردم می‌خوردی. مشکلی به دوستانت رومی داد، حل می‌کردی. این آخرها که سر و صدایی از تو نبود، گفتم بلکه تو هم تریاکی شده‌ای. در گوشه اطاق، پای منقل لم داده‌ای؛ اما نگو که تو ناقلائی حقه، همان طور که توی صوراسرافیل نوشته بودی، یواشکی، بی‌خبر، نمی‌دانم برای تحصیل علم کیمیا و سیمیا گذاشتی در رفتی به هند... در قدیم الایام، در دنیا، یک دولت ایران بود. در همسایگی ایران هم دولت یونان بود. دولت ایران آن وقت دماغش پر بود. از خودش خیلی راضی بود... اما در آن موقع، معشوق السلطنه، خوشگل خلوت نبود. در قصرها هم سرسره نساخته بودند. [؟های] آن وقت هم چاق الشریعه، حاجب الشریعه، پارك الشریعه نداشتند. / صوراسرافیل، [۹]»

۲-۳) تأثیر مطبوعات و روزنامه‌نگاری دوره انقلاب مشروطه، بر تحول سبکی نثر فارسی

تاریخ ملل مختلف نشان می‌دهد؛ موجد حقیقی و علت واقعی تمام تحول‌های ادبی، محیط و تأثیر آن بر ادبیات بوده است. بنابراین محیط یک ملت که مجموعه‌ای از محیط مادی و معنوی آن می‌باشد؛ نه تنها بر ادبیات آن کشور مؤثر است. بلکه همواره روح اشعار و آثار ادبی و هنری آن کشور را مشخص می‌نماید [۱۳]. حتی برخی منابع آورده‌اند که نخستین قدم در راه تغییر اوضاع اجتماعی و سیاسی هر جامعه‌ای، پیدایی تحول‌های ادبی است و نشر آثار ادبی همیشه در رهبری افکار عمومی در تمام جوامع بشری نقش مهمی داشته و دارند [۱۴].

لذا بررسی آثار منشور [مانند: کتاب‌ها و مطبوعات]

ناصری (و مظفیری) بدبین و از خواندن آنها گریزان بودند؛ ایجاد شد [۲] و گسترش نیز یافت.

- تاپیش از دوره انقلاب مشروطه، تفکر سیاسی، اجتماعی و حتی اعتراض‌های سیاسی و اجتماعی [به‌طور عمده] در انحصار معدودی افراد [برخی از اқشار تحصیلکرده، تجار و بازاریان] زمانه بود [۲]. ولی گسترش فعالیت‌های روزنامه‌نگاری و تحول‌های سبکی و محتوایی مطبوعات؛ به‌همراه دیگر شرایط، تاحدودی باعث شد که دیگر اқشار باسواد، کم‌سواد و حتی بی‌سواد جامعه با حقوق فردی و اجتماعی خود آشنا شوند و همچنین انحصار ذکر شده با سهم شدن آنها، شکسته شود.

- روزنامه‌نگاری و مطبوعات دوره انقلاب مشروطه با تحول‌هایی که در حوزه‌های سبک نشر فارسی و محتوای تولیدی پیدا کردند [۷، ۹، ۱۰، ۱۶]؛ توانستند در زمینه شکل دادن به عقاید عمومی و حتی در بارور شدن ساختن آنها به موفقیت‌های چشمگیری دست یابند [۲].

- مشاهده الگوی چند مرحله‌ای نشر پیام‌های مطبوعات به لایه‌های جامعه (شکل شماره ۱).
به‌طوری که در آستانه صدور فرمان مشروطه و پس از آن، مطبوعات این دوره دست به دست می‌گشتند و در خانه، قهوه‌خانه، بازار و مسجد، کسانی آنها را با صدای بلند برای بی‌سوادان و کم‌سوادان می‌خواندند [۲]؛ و به‌عبارتی میل مردم به روزنامه‌خوانی فزونی یافت و سبک نگارش جدید، تشریوان و قابل فهم و بیان افکار به‌زبان سهل و ساده نیز موجب شد که این نشریات با استفاده از این شیوه نو، حمایت عامه مردم را به دست آورند و به فروش بی‌سابقه‌ای نیز دست یابند [۱۲].

- یکی از مهمترین خصیصه‌های جنبش‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، آفرینش ارزش‌های جدیدی است که در گذشته، حداقل به صورت بارزی مطرح نبوده است و تلاش برای همگانی شدن این ارزش‌ها^{۱۱} (Values) با شروع انقلاب آغاز می‌شود. از این رو، تحلیل محتوای مطبوعات بخشی از دوره انقلاب مشروطه^{۱۲} (محسنیان راد، ۱۳۷۵)، نشان‌دهنده تلاش روزنامه‌نگاران آن دوره برای توصیف و تبیین مفاهیمی می‌باشد که در قالب واژه‌هایی مانند: وطن، ملیت، ترقی،

مرکب و پیشوندی؛ در آنها مورد بررسی قرار گرفته است. تأثیر سبکی انقلاب مشروطه بر نشر فارسی ثابت شده و به‌طور آماری توصیف و تحلیل شده است [۱۶].

همچنین در یافته‌های پژوهشی که توسط زهرا انصاری و زهرا ریاحی زمین [۱۳۸۲] به منظور بررسی سبکی و محتوایی مطبوعات ایران در دوره انقلاب مشروطه انجام شده است؛ تأکید شده که نشر مطبوعات مشروطه در تحول نشر فارسی و شکل گرفتن نوع خاصی از نشر که به‌طور عمده، به سوی سادگی حرکت می‌کرده، عامل مهمی بوده است و مطالب و محتویات مندرج در این مطبوعات، علاوه بر این که به‌عنوان عنصری مهم در وارد کردن مضامین و سبک نو به نشر فارسی، شناخته می‌شود. بلکه یکی از مهمترین عوامل در بیداری اذهان غفلت زده مردم ایران آن روزگار و سوق دادن ایشان به سوی مشروطه‌طلبی و قانون خواهی بوده است [۷].

۳-۳ پیامدهای ناشی از تحول سبک نشر فارسی مطبوعات دوره انقلاب مشروطه بر حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران

برخی از پیامدهای ناشی از «انفجار مطبوعاتی در گستره روزنامه‌نگاری کشور ایران» و «تحول سبکی نشر فارسی مطبوعات دوره انقلاب مشروطه» بر حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران که در یافته‌های مطالعات متعدد بعمل آمده، گزارش شده است عبارتند از:

- مطبوعات و روزنامه‌نگاران موفق دوره انقلاب مشروطه آنهایی بودند که به‌جای راز و نیاز با قلم خود؛ نیازهای [مخاطبان گونه‌گون خود] را دریافتند و رازها را با آنها در میان نهادند [۲].

- با تحول بزرگی که در زمینه شیوه نگارش نشر فارسی مطبوعات دوره انقلاب مشروطه بوجود آمد [که از آن به نشر مردمی مشروطه یاد می‌شود]؛ محتوای مطبوعات با تشری ساده‌تر و بی‌پیرایه‌تر نسبت به دوره‌های قبل ارائه، انتشار و اشاعه یافت. از این رو عادت به روزنامه‌خوانی در مردمی که با روزنامه‌آشنایی چندانی نداشتند و یا نسبت به روزنامه‌های دولتی عصر

دست رفته‌اش، بازگرداندن و با ارائه اندیشه‌ها و خواسته‌های خود با تشریح ساده، روان و قابل فهم؛ در امر آگاهی بخشی عموم اقشار جامعه آن زمان ایران، نقشی مؤثر داشته باشند.

بنابراین می‌توان تأکید کرد، که یکی از دوره‌های مهم و پر اهمیت نثر فارسی، از لحاظ تغییرات قابل توجه سبکی و ساختاری؛ و همچنین از نظر ورود مضامین و محتویات جدید به آن، دوره انقلاب مشروطه است. تا جایی که اندیشمندی همچون پرویز ناتل خانلری معتقد است: «این دوره را در تاریخ ادبیات فارسی، دوره نثر باید شمرد.»

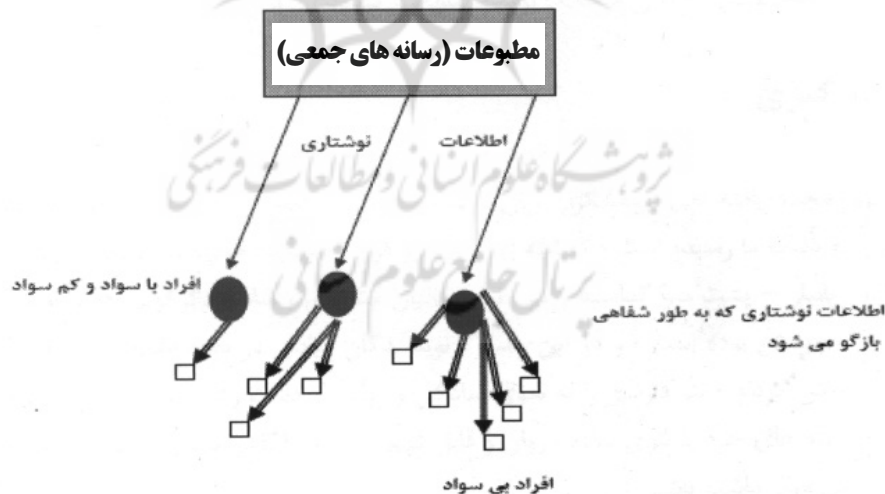
یادداشتها

۱. انقلاب مشروطه ایران را با در نظر گرفتن دستاوردهای آن، بر اساس نظرات اسملسر (N. Smelser)، می‌توان یک انقلاب معطوف به هنجار، به شمار آورد، تا انقلاب معطوف به ارزش. چرا که اهداف انقلاب مشروطه و مشروطه خواهان با این که همراه با ایجاد ارزش‌های جدیدی بود، ولی عمدتاً بر تغییر و تعریف مجدد هنجارهای اجتماعی بر مبنای ارزش‌های غالب رژیم پیشین، بدون فروپاشی نظام حاکم موجود، تکیه داشت تا احیا، اصلاح و ایجاد ارزش‌های اجتماعی جدید [۱].
۲. مهدی محسنیان راد (۱۳۷۵) از طالب اوف درباره نسبت

تمدن، تجدد، دانش، اندیشه، تخصص، اسلام، دین، استقلال، آزادی، آزادی قلم، مشروطیت، قانون، شرف، عامه، ملت، جانبازی، شهامت، رزم‌جویی، اتحاد، دوستی، برادری؛ ارائه و بیان می‌شدند؛ و یا در مقابل، نفی و سرزنش مفاهیمی که در قالب واژه‌هایی مانند: بدبختی، فقر، عقب‌افتادگی، توقف، دربار، سلطنت، استبداد، مستبدین، وطن‌فروشی، فساد، مفساد، شهوت، شهوت‌رانی، تهاجم، تعدی، ظلم، ظالم، بیگانگان، فرنگی، غربی، جهل، نادانی، ظلمت، تفرقه، عدم توافق، جدایی مسلک؛ ارائه و بیان می‌شدند [۳].

۴- نتیجه‌گیری

واکاوی و مرور مجدد یافته‌های پژوهشگران زبان و ادبیات فارسی و علوم ارتباطات اجتماعی؛ تأکید دارند، نثری که امروز به دست ما رسیده است؛ گذشته‌ای بسیار پرفراز و نشیب، همراه با حوادثی بی‌شمار - گاه سودمند و گاه زیانبار - پشت سر گذاشته و در طول سالیان متمادی، شاهد دگرگونی‌ها و تغییرات قابل ملاحظه‌ای در خویشتن بوده است؛ و در این راستا، نویسندگان زیادی در دوره انقلاب مشروطه از جمله روزنامه‌نگاران تلاش کردند؛ نثر فارسی را به سوی سادگی و روانی از



شکل شماره ۱- برداشتی از مدل جریان دو مرحله‌ای اطلاع‌دهی (the two-step flow of information model) ارائه شده از سوی لازارسفلد و کاتز (Lazarsfeld & Katz) پیرامون جریان اطلاعات بین، وسایل ارتباط جمعی، عقیده دهندگان و عقیده‌گیرندگان [۱۸]؛ برای جریان اطلاعات از مطبوعات به افراد باسواد و یا کم‌سواد جامعه ایرانی که روزنامه‌خوان و دارای تماس‌های اجتماعی بودند و از آنها به افراد بی‌سواد دارای تماس‌های اجتماعی.

می‌خواست سخنی از مردم کوچه و بازار نقل کند، عیناً همان عبارتی را که از دهان آنها شنیده می‌شد، می‌نوشت؛ و به عبارتی روزنامه صوراسرافیل را آغازگر ساده‌نویسی می‌توان نامید. چنانچه به گفته مهدی محسنیان راد (۱۳۸۴)، «این سبک از نگارش، در دورانی که پیچیده و رازگونه نوشتن ارزش بود و معیار توان نویسنده، ساده‌نویسی محسوب نمی‌شد؛ اقدامی کاملاً نو در ارتباطات مکتوب محسوب می‌شد.» [۹]

۹. برخی از روزنامه‌ها، ساده‌نویسی را شیوه خود اعلام می‌داشتند و روزنامه تهرانی «خرم» توضیح داد که انشای ساده روزنامه برای فهم «طبقه نوکر باب‌هاست» یا روزنامه «انجمن تبریز» در سرلوحه خود یادآور می‌شد که «بنا به خواهش اهالی و کسبه واصناف، کلمات این جریده خیلی سهل و ساده نوشته می‌شود» [۲].

۱۰. در این خصوص، عبدالرحیم ذاکر حسین (۱۳۷۵) می‌نویسد: «مطبوعات... با تأمین هر خواسته از انقلابیون، «خواست» دیگری را مطرح می‌ساختند. مثلاً وقتی که عده‌ای از تجار و بازاریان علیه اقدامات دولت در شاه‌عبدالعظیم متحصن شدند و گروه بزرگی از علما و طلاب به آنها پیوستند. خواسته‌های این عده چند فقره بود؛ من جمله برکناری عین‌الدوله و برکناری کارشناسان بلژیکی، و تشکیل عدالت‌خانه، [و] تا این موقع به هیچ وجه، بین تظاهرکنندگان صحبت از مشروطه و قانون اساسی نبود؛ و وقتی که مظفرالدین شاه قول داد، عدالت‌خانه‌ای افتتاح نماید و خواسته‌های متحصنان را تا حدی برآورده کند؛ تجار و متحصنان از تظاهرات دست کشیده و پراکنده شدند. [اما] در اینجا بود که مطبوعات و مشروطه‌خواهان آگاه، نقش انقلابی خود را بازی کردند و از هر فرصت استفاده کردند تا علاقه به مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی را به تدریج بین مردم رواج دادند و این مطالب را جزو قطعنامه تظاهرات کردند. [و] به این جهت است که در تاریخ انقلاب مشروطیت، متحصنان شاه‌عبدالعظیم در ماه‌های اول به «متحصنان» و بعدها به «عدالت‌خواهان و ملیون» و سرانجام در اثر فعالیت مطبوعات و آزادی خواهان به «مشروطه‌طلبان» مشهور شدند.» [۱۷].

۱۱. ارزش دلالت دارد بر جهت‌گیری‌های انتخابی، از قبیل: علائق، امیال، دلبستگی‌ها، برتری‌ها، وظایف، تعهدات اخلاقی، آرزوها، خواسته‌ها، نیازها، نفرت‌ها و بیزاری‌ها، کشش و جذبه‌ها و بسیاری از سوگیری‌های انتخابی [۳].

۱۲. این پژوهش با روش تحلیل محتوا انجام یافته است و در جریان آن، محتوای سرمقاله‌های شماره نخست مطبوعات دوره انقلاب مشروطه که بین فاصله زمانی ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹ تا ۲۳

باسوادان در ایران نقل کرده است: «در میان يك هزار و پانصد تن، تنها يك تن خواندن و نوشتن می‌داند...» [۳].

۳. قهرمان ساده‌نویسی در بین مطبوعات انتشار یافته - داخل کشور ایران - در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه، روزنامه «خلاصه‌الحوادث» می‌باشد [۲].

۴. برخلاف نظر محمد تقی بهار که معتقد بود: «پس از اعلان مشروطیت... رعایت شیوه قدیم... از یادرفت و نثر ساده و بی‌بیرایه و آزاد گردید؛ پاره‌ای یا سراسر مطالب برخی از روزنامه‌ها به شیوه‌های کهن مترسلان نوشته می‌شد و آکنده از واژه‌ها و ترکیب‌های عربی غیر متداول در زبان فارسی بود. قهرمان این شیوه، روزنامه «الجناب» چاپ اصفهان بود که شعار سرلوحه آن چنین بود: «روزنامه‌ای است ملی، کاشف از ناهت ملت نجیبه و باحث از اخبار علوم و منافع راجعه به ملت و متشکر از عنایت ایصال اخبار و فصول و مواد علمیه مقتضیه با آزادی از ادراج کل با تأدیة عوض و در موقع مناسبت.» [۲].

۵. روزنامه‌های فارسی زبان در هند و ایران با این شیوه شروع به فعالیت کردند و نثر منشیانه، در شمار کثیری از مقاله‌های دوره پس از صدور فرمان مشروطه دیده می‌شود؛ اما در دو روزنامه «تربیت» و «عراق عجم» عمومیت داشت [۲].

۶. روزنامه‌های مانند «آموزگار» به پالایش زبان فارسی از واژه‌های عربی توجه داشتند. ولی نوشته هیچ يك فارسی سره نبود. در برخی از روزنامه‌ها، مقاله‌هایی نیز از سر هوس یا خودنمایی به فارسی سره نوشته می‌شد و پر از واژه‌های ساختگی دستاویزی، دیده می‌شود [۲].

۷. سبک کلام منبریان سبکی خطابی، تا اندازه‌ای همه فهم و آکنده از تمثیل و مثال بود؛ استفاده از این سبک در اکثر روزنامه‌های دوره انقلاب مشروطه رواج داشت. حتی محتوای روزنامه «الجمال»، صورت تندنویسی و بازخوانی شده و عظ‌های سیاسی - مذهبی و اعظ مشروطه‌خواه بود که هنر برانگیختن مردم را نیک می‌دانستند. این سبک، ویژه مقاله و هماهنگ با فضای سیاسی - اجتماعی آن سال‌ها بود. اما عیب‌ها نیز در برداشت؛ به طور مثال لحنی آمرانه داشت [۲].

۸. صدر هاشمی (۱۳۶۲) می‌نویسد: «روزنامه صوراسرافیل یکی از روزنامه‌های مهمی است که در آغاز مشروطیت تأسیس شد و با روش انتقادی که داشت، کمک بزرگی به بیداری و آزادی ایرانیان نمود. یکی از مشخصه‌های روزنامه مذکور، ابداع سبک جدیدی برای نثر فارسی بود؛ سبکی که در ستونی همیشگی با نام چرن‌پرن‌د به قلم میرزا علی اکبر دهخدا قزوینی به کار می‌رفت»

مهمترین ویژگی سبک دهخدا این بود که نویسنده، وقتی

دسامبر ۱۹۱۱ میلادی انتشار یافته بودند: پس از نمونه گیری مورد تحلیل قرار گرفته است [۳].

منابع و مآخذ

۱. جبار لوی شبستری، بهرام (۱۳۸۴) «در آمدی بر زیر ساخت مطبوعاتی انقلاب مشروطه (چگونگی شکل گیری، ویژگی ها، کار کردها و آسیب ها)»، مجموعه مقالات و سخنرانی های همایش یکصدمین سالگرد نهضت مشروطیت ایران و نقش اجتهاد شیعه در آن. مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). صص ۱۳۵-۱۶۹.
۲. پروین، ناصرالدین (۱۳۷۹) تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان - جلد دوم. نشر دانشگاهی. صص ۸۵۸-۳۵۷.
۳. محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۵) انقلاب، مطبوعات و ارزش ها. سازمان مدارك فرهنگي انقلاب اسلامی. صص ۴۹۵.
۴. مولانا، حمید (۱۳۵۸) سیر ارتباطات اجتماعی در ایران. انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی. صص ۳۰۰.
۵. اکبری بیرق، حسن (۱۳۷۷) زمینه های فکری ادبیات مشروطه. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی احمد خاتمی؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. صص ۱۶۹.
۶. شاکری، مسعود (۱۳۷۴) ویژگی های نثر مشروطیت. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی جلیل مسگر نژاد؛ دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی. صص ۱۱۳.
۷. انصاری، زهرا (۱۳۸۲) بررسی سبکی و محتوایی روزنامه های ایران در دوره مشروطه. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی زهرا ریاحی زمین؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز. صص ۱۹۵.
۸. سجادی، ضیاءالدین (۱۳۷۳) «تحولات ادبی از مشروطیت تا انقلاب اسلامی»، مجموعه مقاله های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. انتشارات سمت. صص ۳۰۷-۳۱۵.
۹. محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۴) ایران در چهار کلهکشان ارتباطی (سیر تحول تاریخ ارتباطات در ایران، از آغاز تا امروز) - جلد دوم. انتشارات سروش. صص ۶۰۱-۱۲۴۲.
۱۰. پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷) تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان - جلد اول. نشر دانشگاهی. صص ۱-۳۵۶.
۱۱. محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۸) ارتباط شناسی. سروش. صص ۵۷۳.
۱۲. فاسمی، سید فرید (۱۳۸۰) مطبوعات ایران در قرن بیستم. نشر قصه. صص ۱۵۱.
۱۳. خلیلی اردکانی، ناهید (۱۳۵۷) سیر تحول شعر انتقادی در دوران مشروطیت. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمدعلی اسلامی ندوشن؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. صص ۱۶۳.
۱۴. اصلائپور علمداری، نازیلا (۱۳۸۴) فرهنگ اصطلاحات و واژگان نو در متون منشور عصر مشروطه. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی میرجلیل اکرمی؛ دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی دانشگاه تبریز. صص ۲۳۱.
۱۵. ملایجردی، علی اکبر (۱۳۷۳) جلوه های سیاسی نثر دوره مشروطه. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی جعفر ثامنی؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز. صص ۱۸۹.
۱۶. کدخدایان، میترا (۱۳۷۶) تأثیر انقلاب مشروطه بر زبان فارسی. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی نادر جهانگیری؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. صص ۱۴۰.
۱۷. ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۷۵) مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت. انتشارات دانشگاه تهران، صص ۳۵۳.
۱۸. ویندال، سون و بنو سیگنایزر و جین اولسون (۱۳۷۶) کاربرد نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها. صص ۳۸۱.